

## مقاله پژوهشی: تهدید شبکه‌های اجتماعی مجازی برای زیر ساخت‌های حیاتی امنیت ملی (از منظر کارشناسان حوزه سیاسی و رسانه مجازی)

مرجان کرمی، گارینه کشیشیان سبرکی، محمد توحیدفام<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

### چکیده

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برآمده از آن مانند بسیاری از پدیده‌های نوظهور دیگر دارای پیامدهای مثبت و منفی در ابعاد مختلف زندگی است. تأثیرگذاری این فضا واقعیتی انکار ناپذیر است که میزان این تأثیرگذاری در امنیت ملی کشورها بیش از سایر حوزه‌هاست چرا که با تغییرات و تحولاتی که به وجود می‌آورد می‌تواند علی‌رغم داشتن فرصت، تهدیدات و مشکلات زیادی را برای امنیت ملی به همراه داشته باشد. هدف از انجام این پژوهش شناسایی تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی برای زیرساخت‌های امنیت ملی است. با استفاده از روش گراند تئوری و تکنیک مصاحبه عمیق با ۱۶ نفر از کارشناسان و خبرگان حوزه سیاسی و فضای مجازی اطلاعات جمع‌آوری گردید. داده‌ها با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از رویکرد اشتراوس و کوربین تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند با تخریب و تضعیف زیرساخت‌های امنیت ملی یعنی: امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی تهدید جدی برای امنیت ملی باشند. نتایج پژوهش در قالب یک مدل پارادایمی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، تهدیدها، گراند تئوری.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی

تهران ایران

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران

(نویسنده مسئول). رایانامه: [G\\_keshishyan@azad.ac.ir](mailto:G_keshishyan@azad.ac.ir)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران

## مقدمه و بیان مسئله

اینترنت تغییرات زیادی در ارتباطات به وجود آورده است، دامنه ارتباطات را گسترش داده و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده است. باعث شده است که صدای بی‌صداها شنیده شود و مرزهایی را که رسانه‌های سنتی تاکنون ایجاد کرده‌اند، شکسته است. قبل از ظهور اینترنت، افرادی که نمی‌توانستند از پس هزینه‌های اعلام نظرات و عقاید خود در رسانه‌های سنتی برآیند، به سادگی سکوت می‌کردند. در واقع، اعلام نظر، عقیده و آگاهی از وضعیت جامعه و تفکر دیگران متعلق به ثروتمندان و گروه خاصی بود (آسوغوا، ۲۰۲۰: ۲). با این حال، با ظهور شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت، همه آن‌ها تغییر کرده‌اند. مردم می‌توانند با استفاده از رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و توییتر، تلگرام، واتساپ و ... آرمان‌ها، عقاید و افکار خود را با هزینه کم یا بدون هزینه اعلام کنند و به اشتراک بگذارند. آسوغوا (۲۰۱۷)، دریافت که رسانه‌های مبتنی بر اینترنت بخش مهمی از ترجیح رسانه‌ها و مصرف مردم در قرن بیست و یکم هستند. اینترنت نیز دامنه تبلیغات را گسترش داده است. شرکت‌های کوچک و متوسط که نمی‌توانند بار مالی درج آگهی‌ها در رسانه‌های سنتی را تحمل کنند، اکنون می‌توانند تنها با یک کلیک روی دکمه این کار را انجام دهند (آسوغوا، ۲۰۱۷: ۵).

اینترنت نیز جهان را بیش از هر زمان دیگری به یک‌دیگر نزدیک کرده است. با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، یک فرد از ایران می‌تواند آزادانه با هم‌تای خود از ایالات متحده و یا کشورهای دیگر تعامل داشته باشد. آن‌ها می‌توانند تماس‌های ویدیویی داشته باشند و پیام‌های متنی بفرستند، همه این‌ها می‌تواند در چند دقیقه اتفاق بیفتند. دانشجویان برای شرکت در کنفرانس‌ها نیازی به سفر دور ندارند، زیرا این امر می‌تواند از طریق ارائه ویدیویی انجام شود. شبکه‌های اجتماعی مانند: اینستاگرام، واتساپ، تلگرام و اسکایپ از

<sup>1</sup> Chika Euphemia Asogwa

<sup>2</sup> Social network sites (SNS)

مشهورترین کانال‌های ارتباطی هستند. دهکده جهانی که مارشال مک لوهان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۲ پیش‌بینی کرده بود یک واقعیت است. مک لوهان و فیوره<sup>۲</sup> (۱۹۶۷) در طرح دهکده جهانی<sup>۳</sup> اشاره می‌کنند:

دنیای ما یک دنیای کاملاً جدید از همه‌گیر بودن است. «زمان» متوقف شده است، «فضا» ناپدید شده است. ما اکنون در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنیم که یک اتفاق همزمان است. ما به فضای آکوستیک<sup>۴</sup> برگشتیم. ما دوباره شروع به ساختن احساس اولیه کردیم، احساسات قبیله‌ای که چند قرن سواد ما را از آن جدا کرد (مک لوهان، فیوره، ۱۹۶۷: ۶۳). رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی به منبع اصلی تبادل اطلاعات و دریافت اخبار روزانه برای افراد جامعه تبدیل شده‌اند؛ و فقط یک مکان حاشیه‌ای برای بازدید و به اشتراک گذاشتن ایده‌ها با دیگران نیستند. این شبکه‌های ارتباطی، این فرصت را برای افراد و شهروندان جامعه فراهم می‌کند تا در انواع مختلف بحث‌های سیاسی در جامعه شرکت کنند و به تبادل اطلاعات پردازند (سدرهولم و همکاران؛ ۲۰۱۹: ۳). بنابراین همان‌طور که شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت دامنه ارتباطات را گسترش داده‌اند و موارد مثبت بسیاری را به همراه داشته‌اند، برخی از کارشناسان نگرانی‌های خود را در مورد تأثیر چنین بسترهای ارتباطی جدید بر امنیت ملی ابراز کرده‌اند، چنین نگرانی‌هایی توسط برخی شواهد تجربی تأیید شده است، این تا حدی توضیح می‌دهد که چرا برخی از کشورهای جهان تلاش می‌کنند دسترسی شهروندان خود را به شبکه‌های اجتماعی مجازی محدود کنند. نمونه‌هایی از چنین کشورهایی با محدودیت اینترنت بالا عبارتند از میانمار (برمه)،

<sup>1</sup> Marshall McLuhan

<sup>2</sup> Fiore

<sup>3</sup> projecting the global village

<sup>4</sup> acoustic space

<sup>5</sup> Teija Norri-Sederholm, Elisa Norvanto, Karoliina Talvitie-Lamberg, Aki-Mauri Huhtinen

ویتنام، تونس، سوریه، ایران، عربستان سعودی، اتیوپی، چین و کره شمالی (لی وی.پی.ان)<sup>۱</sup>، (۲۰۲۳).

رسانه‌های اجتماعی، دسترسی، تأثیر و پتانسیل آن در دنیای جهانی شده دیگر مورد بحث نیست چرا که با توجه به استفاده و سوء استفاده از آن، زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است (وانجا و مونا، ۲۰۲۱: ۱). افزایش خارق‌العاده استفاده از اینترنت با پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی ساده و چندلایه مرتبط، در سطح جهانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدها و فرصت‌ها برای امنیت در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی شناخته می‌شود. نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان مکانیزمی برای بی‌ثبات و یا تثبیت کردن باورهای فکری، ثابت‌های ایدئولوژیک و فضایل اخلاقی و اجتماعی برای ایجاد تعادل و یا عدم تعادل در جامعه، افزایش تهدید امنیت ملی و بحران، به‌طور گسترده در ادبیات کنونی پذیرفته شده است (بورلی، ۲۰۲۱: ۲-۳؛ اینس، دوپروا و اینس، ۲۰۱۹: ۱۹).

همچنین، در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران، محدودیت‌های اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌منظور حفاظت از امنیت ملی اعمال شد. همانگونه که مشاهده می‌شود حکومت بی‌بدیل شبکه‌های اجتماعی مجازی و با تأکید بر نظر آلون تافلر که معتقد می‌باشد: در موج سوم (پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات)، منبع ثروت و قدرت در برخورداری از اطلاعات و ارتباطات، نهفته است و در این عصر، افراد، جوامع و دولت‌هایی قدرتمند محسوب می‌شوند که بتوانند در این عرصه موفقیت کسب کنند و کالاهای خود را که دیگر مادی نیست، بلکه اطلاعات و آگاهی است، به فروش برسانند (تافلر، به نقل از خوارزمی، ۱۴۰۲: ۳۸).

السویدی<sup>۲</sup> (۲۰۲۲)، در پژوهش خود استدلال می‌کند که ابزار ارتباطی قرن بیست و یکم، اینترنت و بسترهای رسانه‌ای مرتبط، و استفاده بیش از حد از آن در جامعه، به‌ویژه بین

<sup>۱</sup> Le VPN

<sup>۲</sup> Al-Suwaidi, J.S.

جوانان، پیامد و تأثیراتی بر سطوح مختلف امنیت ملی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فکری، ایدئولوژیک، اخلاقی و شخصی دارد.

الحویش<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، امنیت را شامل عناصر مختلفی می‌داند که اولویت آن‌ها برای هر فردی متفاوت است. این عناصر امنیتی شامل امنیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جنایی، غذایی، آب، فرهنگی، محیطی، و امنیت اطلاعاتی (محیط زیست و اطلاعات که جدیدترین افزوده‌های امنیتی هستند) می‌شود که همگی به یکدیگر وابسته هستند. الحویش همچنین وابستگی متقابل این عناصر امنیتی را در صورت از بین رفتن یا مختل شدن یکی از عناصر، منجر به اختلال در مجموعه جامع امنیت می‌کند.

در چنین شرایطی بهترین گزینه برای مواجهه با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، شناخت دقیق این پدیده‌ها با همه ابعاد به‌خصوص فرصت‌ها و تهدیدات آن در سطح امنیت ملی است تا بتوان آگاهانه به سراغ آن رفت و قدرت ملی و امنیت ملی را افزایش داد.

در واقع فضای مجازی خصوصاً شبکه‌های اجتماعی مجازی و جریان‌های اطلاعاتی حاضر در آن از مهم‌ترین و مؤثرترین جریان‌های قدرت به‌شمار می‌رود که عدم مدیریت این فضا می‌تواند باعث نابودی و فروپاشی یک نظام سیاسی شود. بدین جهت کشورهای پیشرفته دنیا سعی می‌کنند، به شیوه مختلف بر فضای مجازی اعمال مدیریت و حاکمیت کنند و اجازه ندهند کشورهای متخاصم مدیریت آن را به دست گیرند. پس فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت اعمال و گسترش قدرت رو فراهم کنند اما اگر مورد غفلت واقع بشوند می‌توانند تهدید جدی برای قدرت باشند.

همان‌طور که در جریانات سال ۱۴۰۱، در ایران مشاهده شد، مسئله حاکمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در مورد کشور ایران با توجه به این که کشوری است با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی بالا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، به همین دلیل این کشور امروزه با ظهور و حکومت فضای مجازی و جریان‌های اطلاعاتی موجود در آن درگیر

---

<sup>۱</sup>Al Huwaish, Y.

است و نیاز دارد تا امنیت خود را با توجه به حضور در عصر جدید تأمین و از صدمه دیدن آن جلوگیری کند در واقع عوامل تهدید کننده امنیت ملی را در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی شناسایی کند، بنابراین مسأله امنیت ملی در فضای مجازی به عنوان یکی از دغدغه‌های حاکمان، سیاستمداران و سیاست‌گذاران حوزه امنیت و فضای سایبر در دستور کار قرار گرفته است.

حال با توجه به این‌که از ضروریات اصلی پایداری جوامع، وجود امنیت همه‌جانبه در آن‌ها می‌باشد و در راستای حفاظت و ارتقای امنیت ملی، ضروری است تا عملکرد و تأثیرات فضای سایبر در زمینه‌های ایجاد یا سلب امنیت ملی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، بحث اصلی مطالعه پیش رو، بررسی تهدیدهای فضای مجازی، خصوصاً ماحصل آن یعنی شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر واتساپ و تلگرام برای امنیت ملی کشور ایران به همراه دارد، است. همان‌گونه که بیان شد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دارای تهدیدهایی هستند که در صورت آگاهی و برنامه‌ریزی درست می‌توان آن‌ها را به فرصت تبدیل نمود یا این‌که فرصت‌ها را خود در این فضا ایجاد نمود و از آن بهره جست. فرصت‌هایی برای آموزش، پیام‌رسانی، فرهنگ‌سازی، تحکیم وحدت ملی، بهره‌برداری‌های اقتصادی و سیاسی.

مسأله اصلی مطالعه حاضر این است که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی چه تهدیدهایی را برای زیر ساخت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارند و چالش‌های امنیت ملی در این فضا چه می‌باشد؟ مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی و بررسی این مسائل بوده است.

## ۱. مبانی نظری:

وانجا و مونا<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، در مقاله خود با عنوان اثرات رسانه‌های اجتماعی بر تنظیم دستور کار امنیتی در شهرستان نایروبی، کنیا، بیان می‌کنند: رسانه‌های اجتماعی، دسترسی، تأثیر و پتانسیل آن در یک جهان، جهانی دیگر را مورد بحث قرار نمی‌دهد. این امر بر زندگی افراد تأثیر گذاشته است، در مورد استفاده و سوء استفاده از آن، گروه‌های گانگسترها، انجمن‌های تروریستی، بازیگران غیردولتی با نیت بد و عصیان به‌طور معمول از وبسایت‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، توئیتر و واتس‌آپ برای انتشار تبلیغات، استخدام و الهام بخشیدن به هواداران خود و همچنین القاء ترس در اذهان عمومی و ادعای حملات تروریستی استفاده می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی در تنظیم برنامه‌های امنیتی در شهرستان نایروبی دارند. سایت‌های رسانه‌ای مختلف مانند فیس‌بوک، توئیتر، لینکدین، اینستاگرام و واتس‌آپ نقش مهمی در گسترش اطلاعات و مبارزه با جرم در شهرستان نایروبی دارند. این مطالعه دفتر مدیریت اطلاعات مرکزی را از طریق وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات، دولت شهرستان و دولت ملی توصیه می‌کند تا شانس استخدام جوانان توسط سازمان‌های جنایی را از طریق رسانه‌های اجتماعی با استفاده از سیستم عامل‌های مختلف، مانند فیس‌بوک برای یادگیری زیاد در مورد وابستگی‌های باند و شناسایی این‌که آیا نظرات آن‌ها را مشخص می‌کند، کاهش دهد. یا تصاویر به اشتراک گذاشته شده به‌منظور جذب یا تقویت افراد مظنون است.

آسوگوا (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان ارتباطات مبتنی بر اینترنت: تهدید یا نقطه قوتی برای امنیت ملی، چنین نتیجه می‌گیرد که رسانه‌های ارتباطی مبتنی بر اینترنت مانند فیس

---

<sup>۱</sup>Samuel Wanjema Wanja, Wilson Muna

بوک، جی میل، یوتیوب، ایمیل یا هو و توییتر به‌طور قابل توجهی با امنیت ملی مرتبط هستند. همچنین مشخص می‌کند که راه‌های خاصی وجود دارد که از طریق آن استفاده منفی از اینترنت می‌تواند بر امنیت ملی تأثیر منفی بگذارد. همچنین مشخص شده که رسانه‌های مبتنی بر اینترنت می‌توانند برای ایجاد آگاهی در مورد تهدیدات امنیت ملی، هشدار در مورد مسائل امنیت ملی، و هوشیاری مردم در مورد مسائل امنیت ملی مفید باشند. براساس نتایج این مطالعه، محقق از جمله توصیه می‌کند که رسانه‌های سنتی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات باید با آژانس‌های امنیتی در مورد چگونگی ایجاد آگاهی برای هوشیاری امنیتی برای منافع کلی امنیت ملی در نیجریه هم‌افزایی داشته باشند. در این مقاله امنیت ملی تقسیم‌بندی نشده است و کشور نیجریه مورد تأکید می‌باشد، ولی نویسندگان به دنبال تهدیدهای فضای مجازی برای امنیت ملی در ایران هستند.

العنزی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، توضیح می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین ابزارهایی تبدیل شده‌اند که گروه‌های تروریستی و جنایتکار در انتشار شایعات گمراه کننده و افکار مخرب بر آن تکیه می‌کنند. الذابی و تومیک از تحقیقاتی حمایت می‌کنند که ابزارهای کنترل فعالیت‌های تروریستی در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را شناسایی می‌کند: ... بنابراین، هر محقق آینده باید درک کند که ۹۰ درصد از فعالیت‌های تروریستی تاریک شده است، به این معنی که زمان آن فرا رسیده است که در مورد راهبردهای کنترل فعالیت‌های مخفیانه خود تحقیق کنند (العنزی، ۲۰۲۰: ۱۴).

نوری-سدرهولم<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی یک تهدید امنیتی فزاینده است که بر زندگی شخصی تأثیر می‌گذارد و این تأثیر یک کانال کلیدی برای

<sup>۱</sup>Al-Enezi, N.N.

<sup>۲</sup>Norri-Sederholm



انتشار اطلاعات برای منافع سیاسی است. نوری-سدرهولم و همکاران پیشنهاد می‌کنند، که این تأثیر برای جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا اینترنت تبدیل شده است به: . . . بخش اصلی واقعیت روزمره آنهاست و نه فقط یک مکان حاشیه‌ای برای بازدید و به اشتراک گذاشتن ایده‌ها با دیگران. ارتباطات و شبکه‌های جوانان در رسانه‌های اجتماعی این فرصت را برای آنها فراهم می‌کند تا در انواع مختلف بحث‌های سیاسی در جامعه شرکت کنند (نوری سدرهولم و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۳۱).

نتایج پژوهش افضلی (۱۳۹۸)، با عنوان «بررسی چالش‌ها و تهدیدات سیاسی در فضای مجازی ایران»، نشان داد که: به نظر می‌رسد تبلیغات مخالفان نظام در فضای مجازی از طریق بزرگنمایی و سیاه‌نمایی باعث ایجاد اختلافات سیاسی و عقیدتی در بین مسئولین و مردم شده است و همچنین به دلیل عدم کنترل مناسب محتوای منتشر شده در فضای مجازی توسط گروه‌ها و افراد مختلف شایعه‌پراکنی و ارائه اخبار کاذب و تحریف شده باعث کاهش اعتماد عمومی مردم به نظام سیاسی شده است؛ در فضای مجازی گروه‌های مختلف در حال آماده‌سازی افکار عمومی جهت کاهش مشارکت در انتخابات و ایجاد تضاد در روابط بین دولت و مردم هستند. البته در این مطالعه تلاش شده است که تهدیدها و چالش‌هایی که فضای مجازی برای امنیت ملی می‌تواند داشته باشد، تا حدودی مورد بررسی قرار گیرد و همچنین روش مورد استفاده در مطالعه متفاوت است.

ندری، بخشایشی، دارابی و مقصودی (۱۳۹۸) در مطالعه خود چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که: شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند شمشیر دولبه‌ای هستند که می‌توانند مجموعه‌ای از کنش‌های مثبت و منفی را در محیط سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند. در وضعیت فعلی به علت رهاشدگی و سیاست‌گذاری جزیره‌ای فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی آسیب‌پذیری کشور را در برخی مؤلفه‌های امنیت ملی برجسته کرده است. این

شبکه‌ها هم‌اکنون به‌طور جدی در جهت تخریب و القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی هنجارسازی معارض، مشروعیت‌زدایی ساختاری از نظام سیاسی، تضعیف انسجام ملی و شکاف بین جامعه و حاکمیت و ایجاد زمینه تقابل مردم با نظام سیاسی و تضعیف باورهای ملی فعالیت می‌کنند و در حوزه امنیتی نیز با کارکرد جاسوسی و پایش اطلاعات کاربران، مهیاسازی ابزار ارتباطی گروه‌های برانداز، جمع‌آوری اطلاعات افراد و مشاغل خاص، آموزش‌های مخرب در بستر شبکه‌های اجتماعی و انتقال اطلاعات طبقه بندی در جهت مخدوش نمودن امنیت ملی فعالیت می‌کنند. تأسیس ساختاری قدرتمند و فراقوه‌ای برای سیاست‌گذاری و ساماندهی فضای مجازی کشور و راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات می‌تواند در رفع بسیاری از مشکلات در این حوزه مؤثر باشد. مطالعه حاضر با استفاده از روش نظریه مبنایی (گراندد ثوری) به بررسی تهدیدهای امنیت ملی در شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته است.

همان‌گونه که در پیشینه پژوهش مشاهده می‌شود اکثر تحقیقات در حوزه فضای سایبر و امنیت ملی یا به یکی از متغیرها پرداخته‌اند و یا این‌که هر حوزه را به‌صورت گسترده مورد بررسی قرار داده‌اند و از خرد کردن مسأله امنیت ملی و تهدیدهای فضای سایبر خصوصاً شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن خودداری نموده‌اند. در حالی‌که این پژوهش تلاش نموده تا تهدیدهای امنیت ملی در سطح زیرساخت‌ها تقسیم‌بندی شده و مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

نقش ادبیات نظری و تجربی موضوع مورد بررسی در نظریه مبنایی صرفاً بالا بردن میزان حساسیت نظری است و هدف استفاده‌ای خلاقانه از مفاهیم، نظریه‌ها و کارهای تجربی مورد برای دستیابی به استنباطی از چگونگی و چرایی پدیده مورد بررسی است (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۳۹-۴۵). اکنون بررسی نظریه‌های امنیت ملی و فضای سایبر

صرفاً با هدف افزایش حساسیت نظری برای رسیدن به الگویی نظری از چرایی و چگونگی چالش تهدید زیرساخت‌های امنیت ملی در فضای سایبر است. این مطالعه بر نظریه‌های کاستلز و جبر تکنولوژیکی تأکید دارد.

در چارچوب این پژوهش، با توجه به پیشنهاد الحویش که ساختار امنیت ملی را شامل عناصر وابسته به هم از جمله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جنایی، غذا، آب، فرهنگی، محیطی و امنیت اطلاعات (محیط زیست و اطلاعات) می‌دانست استفاده شده است.

در مورد تأثیر جریان‌های اطلاعاتی و فضای مجازی بر ساخت قدرت مهم‌ترین و قابل استفاده‌ترین نظریه، مربوط به مانوئل کاستلز اسپانیایی است. وی در کتاب قدرت ارتباطات این فرضیه را مطرح می‌کند که قدرت در جامعه شبکه‌ای در ارتباطات نهفته است و کنترل-کنندگان جریان ارتباطات صاحبان قدرت هستند و تصریح می‌کند که دو مکانیسم اصلی قدرت‌سازی در شبکه‌ها عبارت است از: برنامه‌نویسی و راه‌گزینی (کاستلز، ۱۳۹۹: ۵۶). او سپس اثبات می‌کند که شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ای با تصویرسازی، چارچوب‌بندی و تسخیر ذهن مخاطب و کاشت معنی موردنظر در افکار عمومی اعمال قدرت می‌کنند. کاستلز قدرت را در توانمندی ارتباطی برای تحمیل اراده و ارزش‌های بازیگران اجتماعی به دیگران می‌داند و با بیان اینکه قدرت در جامعه شبکه‌ای از طریق شبکه‌ها (شبکه‌های اجتماعی) جریان می‌یابد چهار شکل از قدرت در این شرایط فناورانه و اجتماعی را ارائه می‌دهد: قدرت شبکه‌بندی، قدرت شبکه‌ای، قدرت شبکه‌ای شده و قدرت شبکه‌سازی. کاستلز نهایتاً این‌گونه نتیجه می‌گیرد که به رغم تغییرات صورت گرفته در دسترسی‌ها، ضعیف شدن نقش دروازه‌بانان و پیام‌رسان‌ها در جامعه شبکه‌ای همچنان قدرت اصلی در

اختیار حکومت‌ها، گول‌های رسانه‌ای و شرکت‌های عظیم رسانه است چرا که آن‌ها هستند که قدرت شبکه‌سازی، برنامه‌ریزی، باز برنامه‌ریزی و راه‌گزینی دارند.

کاستلز فناوری‌های نوین و گسترش استفاده از اینترنت را زمینه‌ساز حضور توده‌های مردم در به چالش کشیدن قدرت حاکمان می‌داند و تبیین می‌کند در کشورهای فاقد دموکراسی نهادینه شده، راه و مکانیسمی برای عمل برنامه‌ریزان و راه‌گزین‌ها برای استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های ارتباطی است و به فعل رسیدن چنین ظرفیتی در کشورهای غیردموکراتیک زمانی که کنترل رژیم‌ها بر ارتباطات از میان می‌رود بسیار خطرناک خواهد بود، چرا که می‌تواند آن‌ها را سمت سقوط و فرپاشی هدایت کند (کاستلز، ۲۰۰۸: ۱۳۹۹).

از دیدگاه وی فناوری جدید اطلاعات غلبه بر محدودیت‌های مکانی و زمانی را افزایش می‌دهد در واقع از یک کارویژه تک بعدی خارج شده و وارد فضای جریان‌ها می‌شویم (کاستلز، ۱۴۰۲: ۴۷۵-۴۸۳).

او بر شکل‌گیری ساخت جدید قدرت در ظرف‌های ذهنی نظیر شبکه‌های اجتماعی و افکار عمومی تأکید دارد و اطلاعات و ارتباطات را منابع اصلی قدرت، پادقدرت، تسلط و تغییرات اجتماعی می‌داند چرا که نبرد اصلی میان افراد جامعه، نبرد میان افکار عمومی است (خانیک، ۲۸: ۱۳۹۶).

کاستلز در کتاب «شبکه‌های خشم و امید»، صراحتاً در کارکرد شبکه‌های اجتماعی به پادقدرت یا جریان مقاومت می‌پردازد یعنی جریان‌هایی که در هر جامعه‌ای برای به نقد کشیدن روابط نهادینه شده قدرت شکل می‌گیرد. به باور وی ارتباطات خودگزين به پیدایش رسانه‌ای خارق‌العاده برای جنبش‌های اجتماعی و جریان‌ها اعتراضی منجر می‌شوند تا به واسطه آن به استقلال دست یافته و در مقابل نهادهای جامعه با روش‌های خود بایستند (کاستلز، ۲۰۰۷: ۲۳۸-۲۶۶). وی معتقد است شهروندان جامعه شبکه‌ای با

بهره‌گیری از دسترسی آزاد به اینترنت می‌تواند حکومت‌های خود را به چالش بکشند، برنامه‌ریزان و کاربران که می‌توانند رقبای داخلی حکومت و یا دشمنان خارجی آن‌ها باشند با استفاده از تکنیک‌هایی مثل برجسته‌سازی، زمینه‌سازی و چارچوب‌بندی اخبار و اطلاعات، اذهان و افکار توده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را علیه حکومت بشورانند و به نوعی امنیت ملی جامعه را تهدید نموده و آن را متزلزل نمایند.

مایکل هایم واقعیت مجازی را که برآمده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است، تکامل فرایندی می‌داند که برای مدتی کوتاه در فن‌آوری و برای مدتی طولانی در اندیشه غرب به حرکت در آمده است. او به ریشه‌های این توسعه باز می‌گردد و این موضوع را پی می‌گیرد که چگونه هر تغییری در فن‌آوری دانش منجر به تغییر در روابط ما با دانش و در نهایت خود می‌شود (هایم، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵).

فردیناند<sup>۱</sup> نیز معتقد است جذابیت‌های جریان آزاد اطلاعات و امکاناتی که فن‌آوری‌های نوین در اختیار طیف گسترده کنشگران قرار می‌دهند، بسیاری از مقاومت‌های اولیه را در هم می‌شکند و چالش‌های بزرگی را در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهد (فردیناند، ۲۰۰۰: ۱۹).

با تمام تفاسیر بالا شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر ایفای نقش‌ها و کارکردهای منفی در جامعه، دارای کارکردهای مثبتی نیز هستند، اما اکنون باتوجه به موضوع مطالعه تأکید بر کژکارکردها می‌باشد.

باتوجه به آنچه از نظریات بر می‌آید شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند برای مخاطبان خود تبعات منفی به همراه داشته باشند. شایعه‌سازی، اختلال در روند کنترل جریان اطلاع‌رسانی، شکل‌دهی به شکاف‌ها، ایجاد گسست و تعارض در فرهنگ‌ها،

---

<sup>۱</sup> Ferdinand

قومیت‌ها، ایجاد مطالبات جدید سیاسی، انتقال اطلاعات و به‌طور کلی تهدید امنیت ملی از پتانسیل‌های قوی شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.

آنچه تاکنون در بحث نظریه مطرح شد شاید توانسته پوششی برای مطالعه مورد نظر باشد، اما واقعیت این است که مفاهیم و مبانی مطرح شده مختص جوامع دیگر است که شاید نتوان انطباق صددرصدی با جامعه ایران داشته باشد، هرچند اجزای نظریه‌های مطرح شده واقعیت‌های گسترده و فراگیر جهانی را بیان می‌کنند، اما تفاوت‌های موجود در جوامع مختلف را پوشش نداده‌اند.

نظریه جبر فناورانه توسط تورستین وبلن<sup>۲</sup> (۱۹۲۹-۱۸۵۷)، جامعه‌شناس آمریکایی پیشنهاد شد. با این حال، مک لوهان در ۱۹۶۰ آن را توسعه داد (مک کویل،<sup>۳</sup> ۲۰۰۵: ۱۶). جبر فناورانه، به زبان ساده، این ایده است که فناوری تأثیرات مهمی بر زندگی ما دارد. مک لوهان استدلال می‌کند که تغییرات در فناوری بر کلیت جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. این ایده در تخیل عمومی و لفاظی سیاسی برجسته است، به‌عنوان مثال، در این ایده که اینترنت در حال متحول کردن اقتصاد و جامعه است، تخیل عمومی و لفاظی سیاسی برجسته است (آسوغوا،<sup>۴</sup> ۲۰۲۰: ۱۰).

منتقدان جبر تکنولوژیکی به‌گونه‌های مختلف استدلال می‌کنند که فناوری به خودی خود از نظر اجتماعی تعیین می‌شود، فناوری و ساختارهای اجتماعی در یک فرآیند غیر قطعی و نوظهور با هم تکامل می‌یابند، یا اینکه تأثیرات هر فناوری معین عمدتاً به نحوه

<sup>1</sup> Technological Determinism Theory

<sup>2</sup> Thorstein Veblen

<sup>3</sup> McQuail

<sup>4</sup> Chika Euphemia Asogwa

پیاپی سازی آن بستگی دارد که به نوبه خود از نظر اجتماعی مشخص است. این نظریه با مطالعه حاضر مرتبط است زیرا زمینه را برای درک تغییراتی که در رویکردهای پرداختن به مسائل امنیت ملی و استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جدید شده است فراهم می‌کند.

پیش از ظهور فناوری‌های جدید، رسیدگی به مسائل امنیتی آسان‌تر بود. حداقل، موضوع امنیت سایبری بخشی از مشکلاتی نبود که کارشناسان امنیتی با آن مواجه بودند. با این حال، با شرایط کنونی، آسان‌تر است که معماری امنیتی یک کشور به خطر بی‌افتد. همچنین در عصر کنونی قیام مردم علیه مقامات رسمی آسان‌تر است. برای نمونه بهار عربی که قیام شهروندان علیه مقامات رسمی را آسان‌تر نمود. همچنین اکنون برای مردم آسان‌تر است که خود را برای اقدام توده‌ای بسیج کنند. علاوه بر این، جرایم را می‌توان با استفاده از فناوری‌های جدید نیز هماهنگ کرد. از سوی دیگر، فناوری‌های جدید نیز پتانسیل‌هایی را برای مقابله با تهدیدات امنیت ملی فراهم کرده‌اند. فناوری‌های جدید را می‌توان برای نظارت بر تهدیدهای امنیتی و همچنین انجام تحقیقات به‌کار گرفت. به عنوان مثال، اکنون تلویزیون مدار بسته‌ای وجود دارد که برای نظارت بر تهدیدهای امنیتی بالقوه استفاده می‌شود. همچنین دستگاه‌هایی وجود دارند که برای تحقیق و جاسوسی مفید هستند.

بنابراین در این مطالعه جهت بالابردن حساسیت‌های نظری مفاهیم، آن‌ها به‌کاربرده می‌شود. از اهداف ما کشف مقولات مرتبط و روابط بین آن‌هاست، جهت رسیدن به نظریه‌ای که الگوی حاکم بر روابط بین متغیرها در جامعه ایران را بیان می‌کند. در پایان مطالعه شاید الگو و قالب به‌دست آمده با نظریات و مطالعات پیشین ارتباط داشته باشد، اما هدف ما را که مطالعه پدیده موردنظر در قالب چارچوب نظریه‌ی مبنایی است را دچار تردید و مشکل

نمی‌سازد چرا که پدیده مورد نظر در حین مطالعه پدید آمده است نه آزمون نظریه‌های پیشین.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

این مطالعه کاربردی با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای «گراندد تئوری» انجام شده است. روش نظریه زمینه‌ای (نظریه داده بنیاد)<sup>۱</sup> شکلی از روش کیفی است که شامل یک رویکرد سیستماتیک، استقرایی و تطبیقی برای انجام تحقیق به منظور ساخت نظریه است (چارماز، ۲۰۰۶: ۱۲۳). این روش عمدتاً برای تشویق تعامل مستمر بین محقق و داده‌ها، از طریق درگیر شدن مداوم در تحلیل‌های نوظهور در طول مطالعه، طراحی شده است. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان با یکدیگر پیش می‌روند و باعث تسهیل در روند کار می‌شوند.

گراندد تئوری تحقیقات تجربی را در فرآیند تحلیل ایجاد می‌کند، چرا که محقق را ملزم به آزمایش تمام توضیحات نظری برای یافته‌های تجربی تحقیق می‌کند. در فرایند تحلیل حرکت رو به جلو و عقب بین داده‌های تجربی تحقیق وجود دارد که باعث می‌شود داده‌های جمع‌آوری شده به تدریج متمرکزتر شوند و تجزیه و تحلیل نیز از لحاظ نظری موفقیت‌آمیزتر باشد (القطانی<sup>۲</sup>؛ ۲۰۱۴: ۳). فرایند انجام گراندد تئوری مطابق شکل ۱ می‌باشد.

در این مطالعه ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اطلاعات از طریق مطالعه کتب، نشریات، منابع اینترنتی، پایان‌نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی جمع‌آوری شد که نتیجه‌اش مشخص کردن شاخص‌ها و مؤلفه‌های امنیت ملی و فضای سایبر بود.

در گراندد تئوری از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود که در آن شرکت کنندگان براساس معیارهای مشخص شده توسط محقق و براساس نتایج اولیه انتخاب می‌شوند.

<sup>1</sup> Grounded Theory

<sup>2</sup> Abdulrahman Alqahtani



مصاحبه شوندگان موردنظر در این مطالعه با توجه به نیاز ۱۶ نفر از خبرگان و فعالان و متخصصان حوزه سیاسی و رسانه‌ای که همگی دارای تحصیلات دکتری بوده و در زمینه فضای سایبر و امنیت ملی فعالیت داشته‌اند، داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق گردآوری شد، با توجه به این که مطالعه در زمان شیوع کرونا انجام شد کلیه مصاحبه‌ها از طریق تلفنی و شبکه اجتماعی واتساپ انجام شد و سپس وارد مرحله تجزیه و تحلیل گردید.

جدول ۱: توزیع افراد در گروه‌های مشارکت کننده در مصاحبه و کدهای مورد استفاده

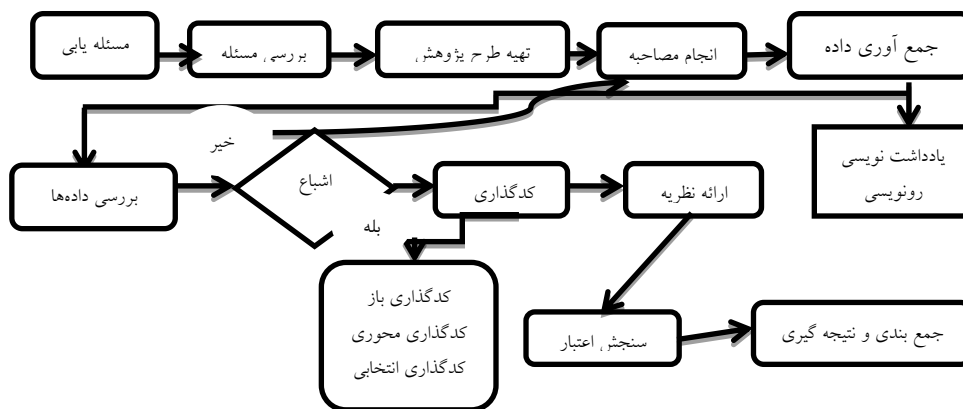
ردیف	کدمصاحبه شونده	جنسیت	سن	تحصیلات	تخصص
۱	p <sub>۱</sub>	مرد	۲۴	دکتری	پژوهشگر
۲	p <sub>۲</sub>	مرد	۴۰	دکتری	مدرس دانشگاه
۳	p <sub>۳</sub>	مرد	۳۴	دکتری	مدرس دانشگاه و پژوهشگر
۴	p <sub>۴</sub>	مرد	۳۴	دکتری	پژوهشگر
۵	p <sub>۵</sub>	مرد	۵۵	دکتری	پژوهشگر
۶	p <sub>۶</sub>	مرد	-	دکتری	امنیتی
۷	p <sub>۷</sub>	مرد	۶۵	دکتری	کارمند سابق فرهنگی و رسانه‌ای
۸	p <sub>۸</sub>	زن	۴۲	دکتری	پژوهشگر
۹	p <sub>۹</sub>	زن	۴۲	دکتری	فعال حوزه زنان، خانواده و رسانه
۱۰	p <sub>۱۰</sub>	زن	۳۲	کارشناس ارشد	پژوهشگر
۱۱	p <sub>۱۱</sub>	مرد	۵۴	دکتری	هیأت علمی پژوهشی
۱۲	p <sub>۱۲</sub>	مرد	۳۵	دکتری	کارمند امور بازرگانی
۱۳	p <sub>۱۳</sub>	مرد	۴۷	دکتری	عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد
۱۴	p <sub>۱۴</sub>	مرد	۳۶	دکتری	کارشناس تحقیق و توسعه همراه اول
۱۵	p <sub>۱۵</sub>	مرد	۴۸	دکتری	کارمند سازمان صدا و سیما
۱۶	p <sub>۱۶</sub>	مرد		دکتری	-

در اولین مرحله از تجزیه و تحلیل گراند تئوری مصاحبه‌ها کدگذاری می‌شوند. در این مطالعه از یک سیستم کدگذاری سه فازی پیشنهاد شده توسط اشتراوس و کوربین<sup>۱</sup>، یعنی

<sup>۱</sup> Corbin, J. and Strauss, A

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد. برای کدگذاری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار Atlas.ti استفاده گردید.

شکل ۱- فرایند اجرای گراند تئوری



در مطالعه حاضر برای رسیدن به اعتبار پژوهشی جنبه‌های مختلفی موردنظر قرار گرفت. ابتدا با دو تن از اساتید دانشگاه در حوزه امنیت ملی در مورد طرح سؤالات مصاحبه و نحوه پیگیری پاسخ‌ها مشورت شد. سپس برای اعتبار پژوهش در سطح بالاتر در طول فرایند تحلیل با مشارکت کنندگان مشورت شد تا اطمینان پیدا شود که الگویی که به دست آمده با دیدگاه آن‌ها همخوانی دارد.

برای باورپذیری به جز مصاحبه‌های اصلی مصاحبه‌ها و گفتگوهای نزدیک به مسئله موردنظر در مدت اجرای پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند تا به تحلیل و نتایج جامع‌تر و کامل‌تری رسید. برای تصدیق پذیری، تحلیل نهایی به دو تن از اساتید دانشگاه داده شد تا نظر نهایی خود را درباره آن ابراز کنند و اصلاحات موردنظر آن‌ها اعمال گردید.

### ۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پس از انجام تمام مراحل کدگذاری برای تمام سؤالات در پایان، یافته‌های پژوهش در قالب مفاهیم، مقوله‌های عمده و تعیین مقوله هسته به تفکیک هر سؤال ارائه شده و مورد تحلیل قرار گرفت. در کدگذاری باز نامگذاری، توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها صورت

گرفت، در کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌هایی مرحله قبل شناسایی شده و در ترکیب‌بندی جدیدی به یکدیگر مرتبط شدند. در کدگذاری انتخابی تلاش شد تا از دل داده‌ها و کدها مدلی تحلیلی استخراج گردد.

در این پژوهش پس از تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر و عبارت به عبارت بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس براساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات مشخص گردیدند. در فرایند کار از تحلیل داده‌ها ۳۱۸ کد باز استخراج گردید.

در کدگذاری محوری، فرآیند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌هایشان و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است (لی، ۲۰۰۱:۴۹). در این کدگذاری، یک مقوله از کدگذاری باز انتخاب و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی است قرار داده می‌شود، سپس دیگر مقولات به آن ربط داده می‌شود: مقوله‌های دیگر عبارتند از:

**شرایط علی:** مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛ و علت اصلی به وجود آیی پدیده به‌شمار می‌روند. شرایط علی در الگوی مدل نهایی ۲۰ مورد بوده که عبارتند از:

تهدیدهای فضای مجازی در زیرساخت‌های: ۱- اجتماعی، ۲- عدم سواد رسانه‌ای، مصرف‌گرایی، ۳- جرایم رایانه‌ای، ۴- آسیب‌پذیری حاکمیت ملی، ۵- اقتصادی، ۶- وابستگی اقتصادی، ۷- عدم رضایت از وضع موجود، ۸- اختلال نظام اقتصادی، ۹- ضعف تولید داخلی، ۱۰- فرهنگی، ۱۱- تضعیف سرمایه اجتماعی، ۱۲- آسیب‌های اطلاعاتی، ۱۳- استحاله فرهنگی، ۱۴- سیاسی، ۱۵- اشاعه اطلاعات نارکارآمد، ۱۶- بحران‌های قومی و مذهبی، ۱۷- بسیج گروه‌های معاند سیاسی، ۱۸- و زیست محیطی، ۱۹- کالایی شدن محیط زیست، ۲۰- بحران مدیریت اطلاعات زیستی و ... همه دست به دست هم می‌دهند و زمینه را برای تهدید امنیت ملی فراهم می‌کنند و موجب تضعیف امنیت ملی کشور می‌گردند.

<sup>1</sup> Casual Condition

در این راستا باید گفت مطالعات نشان داده رسانه‌ها خصوصاً شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیرات بسیاری بر اعتقادات فرهنگ و اخلاق، سیاست و اقتصاد دارند این رسانه‌ها می‌توانند توانایی جامعه را برای تداوم بخشیدن به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی برای مقابله با تهدیدات دستخوش تغییر و تحول کنند و ضعف و تغییر در این ویژگی‌ها زمینه‌ساز تضعیف امنیت ملی هر کشوری محسوب می‌گردد. عدم کنترل بر اطلاعات و اخبار منتشر شده و حجم وسیع این اخبار و اطلاعات سردرگمی برای کاربران ایجاد کرده و باتوجه به این که سواد رسانه‌ای غالب جامعه در سطح پایینی قرار دارد این فضا به شدت بر افکار و احساسات جامعه حکمرانی می‌کند، بساط شایعه پراکنی و جرائم رایانه‌ای را فراهم آورده است. حاکمیت و تسلط نظام سلطه بر فضای مجازی زمینه را برای حاکمیت فرهنگ غربی فراهم کرده و به اعتقاد جامعه‌شناسان، دولت‌های غربی و صنعتی تلاش دارند تا مصرف را در جوامع تغییر بدهند و گرایش به مصرف‌گرایی را نمادی از منزلت اجتماعی مطرح تا از این طریق اقتصاد خودشان را شکوفاتر کنند، حالا شبکه‌های اجتماعی مجازی خواه ناخواه زمینه را برای آنان فراهم نموده است و متأسفانه این شبکه‌ها توانسته‌اند باتوجه به نبود سواد رسانه‌ای و عدم کنترل بر این فضا توسط دولت‌ها و حاکمیت‌ها به اهداف خود دست یابند. تمام این موارد باعث می‌شود پدیده ناامنی تشدید شود و مواردی که به‌عنوان شرایط علی از آن‌ها یاد شد به- عنوان اصلی‌ترین علت‌ها شناخته شوند.

**شرایط زمینه‌ای<sup>۱</sup>:** شرایط زمینه‌ای، شرایطی است که راهبردها و اقدامات تحت آن، به اداره پدیده می‌پردازند. شرایط زمینه‌ای در این پژوهش شامل: ۱- سرعت بالای گردش اطلاعات، ۲- تغییر تعاملات فرهنگی، ۳- آسیب‌پذیری حاکمیت ملی، ۴- رشد مهاجرت، ۵- نفوذ اقتصادی، ۶- بحران انسجام اجتماعی، ۷- فردگرایی، ۸- قانون‌گریزی، ۹- بحران‌های حاکمیتی، ۱۰- بحران هویت و ارزش‌ها، ۱۱- کالایی شدن محیط زیست می‌شود.

<sup>1</sup> Contextual Condition

با توجه به این که در شبکه‌های اجتماعی مجازی انواع اطلاعات بدون هیچ‌گونه محدودیتی تولید می‌شود و با سرعت بالایی در بین کاربران مختلف انتشار پیدا می‌کند، بدیهی است که اطلاعات و داده‌های کذب، غیرمفید و مخرب با تلفیق در کنار داده‌ها و اطلاعات صحیح و واقعی؛ انتشار پیدا می‌کنند و با توجه به ضعف در سواد رسانه‌ای زمینه‌ای نامساعد را برای کاربران و بدنه این فضا به همراه می‌آورد. حکومت شبکه‌های مجازی می‌تواند تعاملات فرهنگی را تغییر داده یعنی با تغییر در سبک‌های ارتباطی، رفتاری، کاهش مسئولیت‌پذیری و تغییر ذائقه مردم و افزایش فردگرایی زمینه را برای ضعف فرهنگی فراهم آورد.

**مقوله اصلی یا محوری:** مقوله محوری پدیده‌ای است که اساس و محور فرآیند است. مقوله‌ای که به عنوان مقوله اصلی یا محوری انتخاب می‌شود باید به اندازه کافی انتزاعی بوده و بتوان سایر مقولات اصلی را به آن مرتبط کرد. پدیده محوری مورد مطالعه در این پژوهش تهدید امنیت ملی در شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

**شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر، شرایط وسیع و عامی همچون فرهنگ، فضا و غیره است که به‌عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کند. این شرایط، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع کرده و به‌عنوان یک مانع، دچار تأخیر می‌نمایند. در این پژوهش شرایط مداخله‌گر عبارتند از: ۱- نبود قوانین موضوعه، ۲- ضعف در به‌کارگیری نیروی متخصص در شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۳- پاسخگو نبودن دولت در موضوع‌ها و عدم اقناع مخاطبان، ۴- تضاد در زندگی واقعی و مجازی، ۵- تحریم‌های اقتصادی.

در بین شرایط بیان شده یک‌سری کم و کاستی‌ها باعث شده تا امنیت ملی در شبکه‌های اجتماعی مجازی تهدید بیشتری داشته باشد و مشکلات امنیتی که به‌دنبال استفاده از این فضاها رخ می‌دهد متعدد گردند. این که هنوز قوانین موضوعه مشخص و قابل استنادی در زمینه سوء استفاده در فضای مجازی و یا تعریف درستی از جرائم مرتبط با آن وجود ندارد باعث شده به راحتی در این فضا تخلفات صورت گیرد و تفکیک جرم دچار مشکل بشود. همچنین ضعف در استفاده از نیروهای متخصص در زمینه‌های مختلف باعث شده

دسته‌بندی اطلاعات مشکل شود و این موضوع رواج اطلاعات ناکارآمد را به همراه دارد. دولت زمانی که شایعه و مسأله‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و حاکمیت نظام را هدف قرار می‌دهد پاسخگویی مناسبی در این زمینه ندارد و این عدم پاسخگویی کمکی به شبکه‌های مجازی در راستای تضعیف حاکمیت ملی در نتیجه امنیت ملی است. تحریم‌های اعمال شده زمینه‌ساز ضعف اقتصادی می‌شود در حالی که شبکه‌های اجتماعی مروج فرهنگ مصرف‌گرایی هستند و این وضعیت می‌تواند ضعف امنیتی را به همراه داشته باشد. اما تضاد در زندگی واقعی و مجازی و تأثیرپذیری از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث می‌شود که تفکیک دنیای واقعی و مجازی سخت شده و کاربر در بسیاری از موارد، گرایش به حضور دائم در فضای مجازی آورده و ارتباطات مجازی را ترجیح دهد بنابراین فردگرایی به وجود می‌آید و تعادل اجتماعی برهم می‌خورد که این عدم تعادل می‌تواند منجر به تهدید امنیت ملی کشور گردد.

**راهبردها:** کنش یا برکنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود. اغلب راهبردها به صورت مثبت، منفی و خنثی ارائه می‌شوند. راهبردها در الگوی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- هدف‌گذاری توسعه سواد رسانه‌ای، ۲- هدف‌گذاری استفاده از نیروهای متخصص در شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۳- مدنظر قرار دادن شفاف‌سازی و دسترسی کامل بدون سانسور توسط دولت به مردم، ۴- هدف‌گذاری توسعه اقتصادی با تمرکز بر فضای سایبر، ۵- هدف‌گذاری گسترش تبلیغ و حکومت بر فضای مجازی ۶- تمرکز بر دفاع از ارزش‌های داخلی و اقناع اذهان شهروندان ۷- هدف‌گذاری ایجاد قوانین در حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی.

امروزه برای حفظ امنیت دولت‌ها، باید تلاش شود تا به قدرت رسانه‌ای رسید چرا که رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های مجازی قدرت بلامنازعه در عصر ارتباطات و اطلاعات هستند، بنابراین باید دولت‌ها فرصت‌ها و تهدیدهای ایجاد شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی را باید شناسایی و با افزایش سواد رسانه‌ای شهروندان خود امنیت ملی را تقویت

نمایند سواد رسانه‌ای آنقدر اهمیت دارد که هوگارت<sup>۱</sup> (۱۳۹۰) می‌گوید سواد در دنیای امروز بسته به ارزیابی سواد رسانه‌ای است. وقتی دولت‌ها در فعالیت‌های خود شفاف‌سازی را مدنظر قرار بدهند اطلاعات و اخبار را بدون سانسور به دست مخاطبان برسانند زمینه را برای مانور اخبار و اطلاعات نادرست در فضای مجازی می‌بندد. پس می‌توانند از آسیب‌های اطلاعاتی شبکه‌های مجازی مصون بمانند. دولت‌ها همچنین می‌توانند با تبلیغ و دفاع از ارزش‌ها به اقتناع اذهان عمومی دست پیدا کنند زمینه‌ای گسترش و رواج مصرف‌گرایی را از بین ببرند در نتیجه با تولید داخلی و توسعه اقتصادی از وابستگی و عدم رضایت خارج می‌شوند. دولت در حوزه فضای مجازی می‌تواند قوانین موضوعه را تدوین و با تأسیس نهادها و سازمان‌های دارای نیروی متخصص در حوزه سایبر سردرگمی‌ها و سوءاستفاده در شبکه‌های اجتماعی مجازی را کم کند. این نیروهای متخصص می‌توانند آگاهی‌سازی مؤثری در شبکه‌های اجتماعی داشته و زمینه‌ساز حاکمیت در شبکه مجازی باشند.

**پیامدها؟** پیامدها شامل خروجی‌های تأثیرگذار مشهود و نامشهودی است که در اثر طراحی مدل برند مکان مبتنی بر حس تعلق به برند در جامعه ایجاد می‌گردد و خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها هستند. پیامدها در پژوهش حاضر بدین شرح می‌باشند: ۱- سوء استفاده از نبود سواد رسانه‌ای، ۲- پمپاژ اطلاعات در کمترین زمان، ۳- ترویج اخبار و اطلاعات ناکارآمد، ۴- ترویج فردگرایی، ۵- دامن زنی به اختلافات قومی و مذهبی، ۶- تغییر سبک زندگی، ۷- ناکارآمدی اقتصادی، ۸- بحران حاکمیت ملی، ۹- بحران‌های ارزشی و هویتی.

**کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup> (مرحله نظریه پردازی):** در این مرحله نظریه‌پرداز داده بنیاد مقوله محوری را به‌طور روش‌مند انتخاب و با ارتباط‌دادن آن با سایر مقوله‌ها به نگارش نظریه

---

<sup>1</sup> Hougart

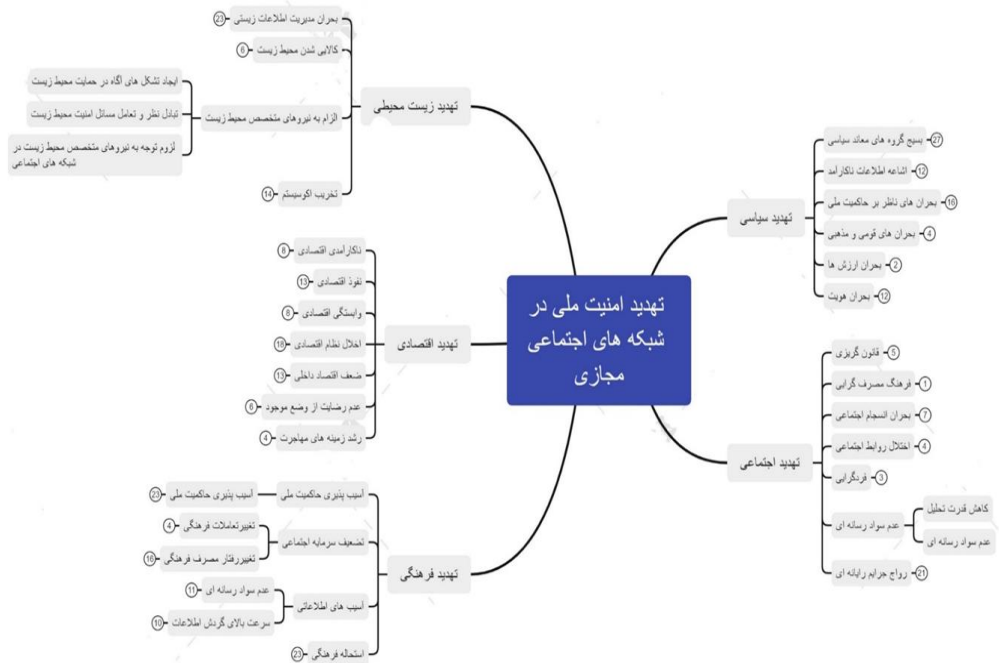
<sup>2</sup> Consequences

<sup>3</sup> Selective Coding

اقدام می‌کند که شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه شده است، ارائه می‌دهد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷). مدل ترسیمی ارائه شده برای تهدید امنیت ملی در شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدل پارادایمی نمایش داده می‌شود. مدل پارادایمی مدلی صوری است که در آن مقوله‌های عمده اصلی به تصویر کشیده می‌شوند (قادری، ۱۳۹۰: ۱۹۸). در ادامه پژوهش و در راستای هدف، کلیه ابعاد مختلف تهدید امنیت ملی در فضای سایبر به تصویر کشیده شده است.

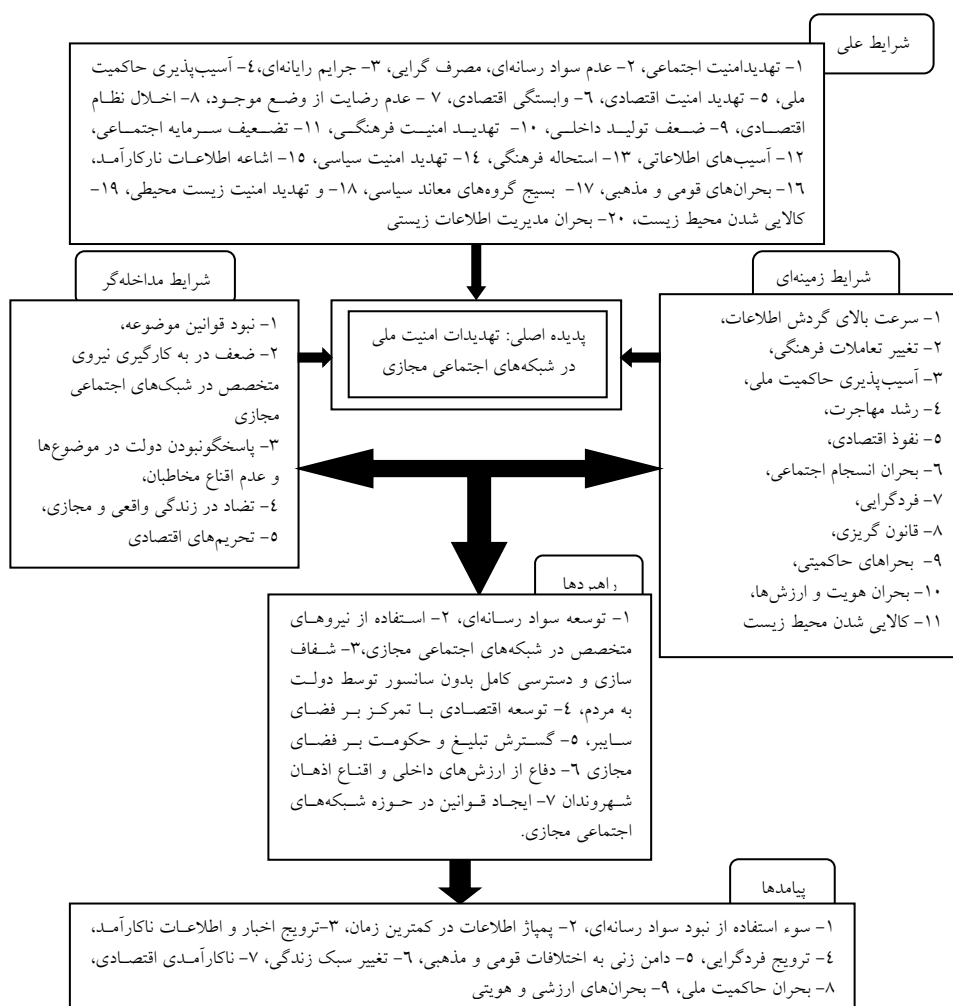
نمودار ۱: کدهای محوری و مقوله‌های عمده مربوط به تهدید زیرساخت‌های امنیت ملی توسط شبکه‌های اجتماعی

مجازی





شکل ۲: مدل پارادایمی



## ۴. نتیجه‌گیری

در نظریه داده بنیاد مسئله مورد بحث از بسترها و زمینه‌های چالش شروع شده به پیامدها و راهکارها ختم می‌گردد. مسئله اصلی پژوهش از اینجا شروع می‌شود که گسترش و انقلاب اطلاعات و ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی مجازی توانسته تهدیدهایی برای امنیت ملی کشور به وجود آورد. فضای مجازی و جریان‌های اطلاعاتی موجود در آن به-عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین جریان‌های قدرت به‌شمار می‌روند و نیاز به مدیریت این فضا

بسیار احساس می‌گردد. شبکه‌های اجتماعی مجازی علی‌رغم داشتن فرصت‌ها و چهره‌ای زیبا، می‌توانند خطرناک‌ترین مسائل و مشکلات را در عرصه امنیت ملی ایجاد کند، تهدیدات پیچیده‌ای که در زیرساخت‌های امنیتی (امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی) ایجاد می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوزه امنیت اجتماعی: قانون‌گریزی را افزایش می‌دهند، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، بحران انسجام اجتماعی، اختلال در روابط اجتماعی، فردگرایی، رواج جرائم رایانه و حذف حریم خصوصی، را به دنبال دارند، در حوزه امنیت اقتصادی: ناکارآمدی اقتصاد، نفوذ اقتصادی، ضعف تولید داخلی، اختلال در نظام اقتصاد را تشدید می‌کنند که منجر به رشد زمینه‌های مهاجرت و عدم رضایت از وضعیت کشور می‌شود. در زمینه سیاسی این شبکه‌ها فعالیت گروه‌های معاند سیاسی و گردهمایی آنان را راحت کرده، اطلاعات ناکارآمدی را در حوزه سیاسی و فعالیت دولتی و حکومتی به اذهان عمومی تزریق می‌کند، که همه این‌ها می‌تواند در حوزه سیاسی منجر به بحران‌های حاکمیتی، قومی و مذهبی و ارزشی گردد. در حوزه فرهنگی سرعت بالای گردش اطلاعات در این فضا و شبکه‌ها تضعیف سرمایه‌های اجتماعی را به دنبال دارد و با اشاعه اطلاعات و اخبار متنوع موجب سردرگمی بین کاربران می‌شود، شایعه پراکنی‌های موجود در این شبکه‌ها بی‌اعتمادی جمعی رو نسبت به حاکمیت به وجود می‌آورد و حاکمیت ملی را دچار ضعف می‌نماید. تغییر در تعاملات فرهنگی ایجاد می‌کند و حس مسئولیت‌پذیری را کاهش می‌دهد. در حوزه زیست محیطی با ایجاد بحران مدیریت زیستی و کالایی کردن محیط زیست زمینه را برای تخریب اکوسیستم فراهم می‌نماید.

موارد شمرده شده، تهدیداتی است که شبکه اجتماعی مجازی برای امنیت ملی می‌تواند ایجاد کند، زیر بنای تشدید تهدیدات بیان شده، ضعف سواد رسانه‌ای است در تمام حوزه‌های بیان شده عدم سواد رسانه‌ای مشهود می‌باشد.

در عصر کنونی که با پیشرفت سریع اطلاعات و ارتباطات همراه است و حاکمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در آن بلامنازع می‌باشد، نیاز است در این فضا حضور فعال و

مقابله منعطف باشد، برای این کار باید راهکارهای کاربردی و مفیدی برای آن جستجو گردد. شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر تهدید دارای جنبه‌های مثبت و کارکردهای مفیدی نیز هستند هرچند در این پژوهش مسئله اصلی تهدیدات این شبکه‌ها برای امنیت ملی بود. با توجه به آنچه تاکنون بیان شده و در نهایت، با استناد به نتایج به دست آمده چند راهکار و پیشنهاد جهت تقویت زیرساخت‌های امنیت ملی در شبکه‌های اجتماعی مجازی ارائه می‌گردد:

### راهکارهای عملی:

مسئله تهدیدات فضای مجازی برای امنیت ملی امری صرفاً محدود به رسانه و یا محدود به یک نهاد خاص نیست بلکه هر راه حلی که ارائه می‌شود در سطح ملی و دولتی و خصوصی باید به آن عمل گردد. پس به عنوان اولین راهکار پیشنهاد می‌شود در زمینه رفع مشکلات کلی شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوزه امنیت ملی ابتدا:

(۱) سطح سواد رسانه‌ای آحاد جامعه خصوصاً گروه‌های نوجوان و جوان فعال در شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش یابد. این مهم با برگزاری کلاس‌های آموزشی، گنجاندن روش‌های کار و فعالیت در فضای شبکه‌ای به عنوان منبع درسی در سطوح مختلف تحصیلی، شناسایی و معرفی کارکردهای اصلی فضای سایبر بدون محدودیت با انتشار کتب، مقالات، فیلم‌ها و تیزرهای تبلیغاتی و ... به دست خواهد آمد.

(۲) رصد اطلاعاتی شبکه‌های اجتماعی مجازی با استفاده از ابزارهای داده کاوی، در این داده کاوی، اطلاعات گرانمایی از حجم عظیم داده‌ها استخراج می‌گردد. همان‌طور که گفته شد در شبکه‌های اجتماعی حجم وسیعی از اطلاعات و داده‌ها وجود دارد و روزانه رد و بدل می‌گردد، این اطلاعات خام هستند و نیاز دارند تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند با تجزیه و تحلیل این اطلاعات و داده‌ها به مجموعه کوچکی از اطلاعات کاربردی دسترسی پیدا خواهد شد. این دسترسی و تحلیل می‌تواند کمکی در راستای حذف و تعدیل اطلاعات ناکارآمد باشد.

- (۳) بومی‌سازی شبکه ملی اطلاعات، این بومی‌سازی باید همراه با توانمندسازی باشد. شبکه‌های ملی بومی باید توان مقابله با شبکه‌های جهانی را داشته باشد و از نظر قدرت ارائه خدمات با آن‌ها در یک راستا قرار گیرند. در واقع زیرساخت‌های فنی این شبکه‌ها باید قدرتمند و همه‌جانبه باشند.
- (۴) ترویج و اشاعه پلتفرم‌های داخلی جهت امنیت اطلاعات
- (۵) با توجه به اهمیت اقتصاد دیجیتال خصوصاً با شیوع بیماری همه‌گیری کرونا، باید بسترهای توسعه اقتصادی در فضای شبکه‌های مجازی فراهم گردد.
- (۶) ایجاد محیط باز و آزاد فعالیت‌های رسانه‌ای
- (۷) اصلاح و بازنگری در قوانین کشوری با توجه به حکومت فضای مجازی بر روابط، در این بازنگری باید فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و جرائم در این فضا مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد.
- (۸) در نهایت و شاید مهم‌تر از همه اتخاذ سیاست‌های ترویجی و متناسب با توسعه ارتباطات شبکه‌ای است،
- (۹) با بهره‌گیری از پژوهش عباسی و شریعت (۱۳۹۷) تأکید می‌گردد: تهدید شبکه‌های اجتماعی مجازی از نوع سلبی است و عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها سبب ایجاد تهدید از ناحیه این شبکه‌ها برای جامعه می‌شود، لذا شاخص «ثبات»، «مقبولیت»، «مشارکت سیاسی»، «نفوذ» و کارآمدی در دستور کار شورای عالی مجازی کشور قرار گیرد (عباسی و شریعت، ۱۳۹۷: ۲۳) و ...

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- اشتراوس، انسلم؛ کرین جولیت (۱۳۹۵). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. تهران: نشرنی.
- تافلر، آلوین (۱۴۰۲). *جابجایی در قدرت (دانایی و ثروت و خشونت در قرن بیست و یکم)*.

- ترجمه: شهین دخت خوارزمی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- خانیکی، هادی (۱۳۹۶). *مقدمه کتاب قدرت ارتباطات. در کتاب مانوئل کاستلز*. ترجمه: حسین بصیریان، انتشارات علمی و فرهنگی.
  - دانایی فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). *اس ترا تزی های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد*. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۶۹-۹۷.
  - عباسی، حسن و شریعت، جهانگیر (۱۳۹۷). *کارکرد سیاسی شبکه های اجتماعی مجازی*. فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره سی ام، زمستان، ۱۵۰-۱۲۷.
  - قادری، صلاح الدین (۱۳۹۰). *بررسی پیامدها و نتایج برنامه های پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی شهر با تأکید بر طرح ارتقای امنیت اجتماعی*. رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
  - کاستلز، مانوئل (۱۴۰۲). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه ای (۱)*. ترجمه: احد علقلیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
  - کاستلز، مانوئل (۱۳۹۹). *قدرت ارتباطات*. ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
  - ماندل، رابرت (۱۳۸۷). *چهره متغیر امنیت ملی*. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
  - هایم، مایکل (۱۳۹۰). *متافیزیک واقعیت مجازی*. تهران: رخ دادنو.

## ب. منابع انگلیسی

- Araya, Daniel (October 2022), *America's Global Dominance Is Ending: What Comes Next?*, Centre for International Governance Innovation, Available at: <https://www.cigionline.org/articles/americas-global-dominance-is-ending-what-comes-next/> [accessed 9 February 2023].
- Al Huwaish, Y.(2017). *Enhancing Intellectual Security in Light of Contemporary Global Models and Experiences*; King Abdulaziz Center for National Dialogue: Riyadh, Saudi Arabia, 2017.
- Al-Enezi, N.N.(2020). *Employment of social networking sites in response to rumors*. J. Media Stud. Res. 2020, 1, 201–220. Available online: <https://www.iasj.net/iasj/article/200839> (accessed on 17 August 2022).
- Alqahtani, Abdulrahman. (2014). *Awareness of the Potential Threat of Cyberterrorism to the National Security*. Journal of Information Security, Vol.5 No.4, October 2014.
- Al-Suwaidi, J.S.(2022). *From Tribe to Facebook: The Transformational Role of Social Networks*; Emirates Centre for Strategic Studies and Research: Abu Dhabi, United Arab Emirates, 2013. Available online

:<https://www.thefreelibrary.com/AlSuwaidi%2c+Jamal+S.%2c+From+Trib+e+to+Facebook%3a+The+Transformational...-a0396767761> (accessed on 17 August 2022).

- Asogwa C. E. (2017). Media preference and use pattern among diabetes patients in Enugu State, Nigeria. *Global Media Journal*, 15(29), 1–7.
- Asogwa, Chika Euphemia (2020). Internet-Based Communications: A Threat or Strength to National Security? *SAGE Open* Volume 10, Issue 2, April-June 2020.
- Borelli, M. (2021). Social media corporations as actors of counterterrorism. *News Media Soc.* 2021, 1448–1461.
- Castells, M. (2007), “Communication, Power and Counter-power in the Network Society”, *International Journal of Communication*: 238-266.
- Charmaz, K. (2006) *Constructing Grounded Theory*. Sage Publications, London.
- Ferdinand, P. (2000). *The Internet, Democracy & Democratization*. London: Frankcass Publisher.
- Innes, M.; Dobрева, D.; Innes, H. (2019). Disinformation and digital influencing after terrorism: Spoofing, truthing and social proofing *Contemp. Soc. Sci.* 2019, 16, 241–255.
- Le VPN. (2023). Top 10 countries with the most heavily Internet censorship. <https://www.le-vpn.com/top-10-censors-internet-avoid-internet-censorship/>.
- Lee, J. (2001). A grounded theory: Integration and Internalization in ERP adoption and use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In ProQuest UMI Database.
- McLuhan M., Fiore Q. (1967). *The medium is the message: An inventory of effects*. New York: Bantam.
- McQuail D. (2005). *Mass communication theory*. Sage.
- Norri-Sederholm, T.; Norvanto, E.; Talvitie-Lamberg, K.;(2019). Aki-Mauri Huhtinen, A. Social media as the Pulse of National Security Threats: A Framework for Studying How Social Media Influences Young People’s Safety and Security Situation. In *Proceedings of the 6th European Conference on Social Media*, Portugal, France, 13–14 June 2019; 231–237.- Available online: [https://www.theseus.fi/bitstream/handle/10024/227210/Norri\\_Sederholm\\_orvanto\\_Huhtinen\\_Talvitie\\_Lamberg.pdf?sequence=1](https://www.theseus.fi/bitstream/handle/10024/227210/Norri_Sederholm_orvanto_Huhtinen_Talvitie_Lamberg.pdf?sequence=1) (accessed on 17 August 2022).
- Sederholm, Teija Norri, Elisa Norvanto, Karoliina Talvitie-Lamberg, Aki-Mauri Huhtinen. (2019). Social Media as the Pulse of National Security Threats: A Framework for Studying How Social Media Influences Young People’s Safety and Security Situation Picture. Popma, W. & Francis, S. (eds.) *Proc. of the 6th European Conference on social media ECSM 2019*, 13-14 June, 2019. 231-237, ACPI.
- Wanja, S.W.; Muna, W. (2021). Effects of Social Media on Security-Agenda Setting in Nairobi City County, Kenya. *Int. J. Curr. Asp.* 2021,5, 64–77.